



روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی صبا با «فریبا کریمی»

نویسنده رمان «باغ کج»

مسائل اجتماعی

از بزرگ‌ترین

دغدغه‌های

نویسندگان است

آیا واقعاً محلی به نام «باغ کج» وجود دارد؟

باغ کج، نام یک مصلی در تایباد است که نام رمان، وجه تسمیه‌ای از آن است.

با توجه به این که محور اصلی داستان شما بر سر نوشت حریرا متمرکز است، چرا نام او یا عنوانی مرتبط با زندگی این زن برای کتاب انتخاب نکردید؟

من حوادث و شخصیت‌های گوناگونی را در داستانتانم دارم. با این که تمرکز داستان بر حریرا و زندگی اوست اما قصه‌ها و داستان‌های آدم‌های دیگر هم روایت می‌شوند که هر کدام از آنها، به نوعی در رمان سهیم هستند و هر کدام از آنها به باغی که در این آبادی وجود دارد، متصل می‌شوند.

در طول روایت، حس می‌شود نگاهی تلخ و سرشار از ناامیدی و بی‌اعتمادی به زندگی حریرا و حتی سایر شخصیت‌ها دارید. چرا اهالی «باغ کج» این همه در مانده و قانع به سر نوشت خویشانند؟

شرایط، فرهنگ، جغرافیا و بازه زمانی تاثیر زیادی بر زندگی انسان‌ها دارد. نمونه آن فقر مالی که تعدادی از شخصیت‌های داستان با آن روبه‌رو هستند، از جمله کودکی خود بهمن. این موارد، زمینه‌ساز آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در زندگی آنهاست. حرص و طمع ثروت، بهمن را به سمت حوادث پایان داستان می‌کشاند یا همین‌طور تصمیمات «پیپور» برای دخترش و حیدر و کنیز که در مانده از آسیب‌ها، تسلیم سر نوشتند.

آیا قرار است در آثار بعدی تان هم به سراغ مسائل اجتماعی بروید؟

بله، امکان این که باز هم در آثار بعدی‌ام به مسائل اجتماعی بپردازم، زیاد است. مسائل اجتماعی بخصوص در شرایط کنونی جامعه، یکی از دغدغه‌های بزرگ نویسندگان است.

با این که در استان خراسان، ناشران متعددی در دسترس نویسندگان بومی هستند، چرا برای چاپ رمان «باغ کج» با یک ناشر تهرانی (نشر نفیر) وارد مذاکره و همکاری شدید؟

نویسندگان داستان معمولاً به سمت ناشری می‌روند که از اثر آنها حمایت بکنند. من با ناشرهای مختلفی در مشهد و تهران گفت‌وگو کردم و در نهایت با ناشر نفیر برای چاپ این اثر به توافق رسیدم.

هنر برای من همیشه در اولویت بوده و هست. البته ورودم به عرصه ادبیات داستانی پس از دوران تحصیل بود.

چطور با انجمن روایت در مشهد آشنا شدید؟ انجمن میعاد در شهرستان تایباد، از کیفیت و ویژگی‌های لازم برای آموزش و رفع عطش شما در عرصه نویسندگی برخوردار است؟

کلاس نویسندگی را در حوزه هنری مشهد با آقای عباس زاده شروع کردم و بعد از پایان دوران آموزشی، توسط آقای عباس زاده (دبیر انجمن روایت) وارد این انجمن شدم. بعد از آن در تایباد ساکن شدم و با انجمن داستانی میعاد فعالیت‌م را ادامه دادم. به نظر من حضور در انجمن‌های مختلف و ارتباط با سایر انجمن‌ها، کمک زیادی به رشد یک نویسنده می‌کند. انجمن‌هایی که در شهرستان‌های کوچک دایر می‌شود، حال و هوای خاص خودش را دارد. آدم‌هایی در آنها حضور دارند که برای به دست آوردن کوچک‌ترین اطلاعات داستانی، راه‌های زیادی را رفته‌اند و تلاش‌های چند برابری کرده‌اند و این برای من، ویژه و منحصر به فرد بود.

پیش از نگارش رمان «باغ کج»، داستان کوتاه را تجربه کرده بودید؟ آیا داستان‌های تان جایی چاپ شده بودند؟

بله، من نوشتن را با داستان کوتاه شروع کردم. ابتدا فقط داستان کوتاه می‌نوشتم اما هیچ‌وقت در هیچ‌کجا آنها را چاپ نکردم اما دوست داشتم نوشتن داستان‌های بلند و رمان را هم تجربه بکنم که شروع کردم به نوشتن داستان‌های بلند و در همین حین تصمیم جدی برای چاپ رمان گرفتم.

ایده اولیه «باغ کج» چگونه به ذهن تان رسید و نوشتن آن چه قدر طول کشید؟ آیا نمونه‌ای مثل شخصیت‌های حریرا و بهمن را اطراف تان دیده بودید یا می‌شناختید؟

ایده «باغ کج» از لابه‌لای یکی از داستان‌های کوتاه‌م جرقه خورد. از زمانی که شروع به نوشتن آن کردم تا پایان کار، حدوداً چهار سال طول کشید! چند بار کار را با شخصیت‌ها و فضاهای مختلف شروع کردم و حتی نیمه‌کاره‌ها را هم نوشتم. داستان در زمان گذشته روایت شده. شاید نوع دغدغه‌ها در زندگی امروز متفاوت باشد اما اگر کمی به اطرافمان دقت بکنیم، همه ما افرادی با خصوصیات رفتاری دو شخصیت حریرا و بهمن و سایر شخصیت‌های «باغ کج» را می‌بینیم.

احمد رضا حجاز زاده - همین چند روز پیش بود که نخستین رمان «فریبا کریمی»، نویسنده‌ی جوان اهل تایباد با نام «باغ کج» توسط نشر «نفیر» چاپ شد. این رمان جذاب ایرانی که با فضایی رئالیستی به یکی از مهم‌ترین مسائل خانوادگی و اجتماعی در زندگی ایرانیان می‌پردازد، ماجرای مردی به نام بهمن است که پس از ازدواج مجدد، خانه و همسر اولش را ترک می‌کند و این اتفاق، حوادث و تغییرات تازه‌ای را در زندگی شخصی و خانوادگی همسرش «حریرا» رقم می‌زند. کریمی در این رمان، موفق به شخصیت‌پردازی و فضا سازی عالی و کم نظیری شده که داستانش را به اثری ملموس، خواندنی و تاثیر گذار تبدیل کرده است. این نویسنده که هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ در تایباد به دنیا آمده، مدرک کارشناسی هنر در رشته‌ی طراحی فرش دارد. او نوشتن را از هفت سال پیش با انجمن روایت در مشهد آغاز کرد و تا امروز با انجمن میعاد در شهرستان تایباد ادامه داده است. رمان «باغ کج» در ۱۷۲ صفحه با تیراژ ۵۰۰ نسخه در انتشارات «نفیر» با مدیریت سمانه رزاقی چاپ شده و برای علاقه‌مندان به داستان‌های ایرانی با محوریت زنان و مسائل و مصائب زندگی‌شان، جذاب و لذت‌بخش است. عبرت‌گزار صبا به بهانه انتشار این رمان، با فریبا کریمی گپ و گفت کوتاهی داشته است.

اولین بار چه زمانی متوجه شدید به داستان نویسی علاقه‌مندید؟ آیا پیش از ورود به این عرصه، در کودکی و نوجوانی کتابخوان بودید؟

بله، من همیشه در دوران کودکی و نوجوانی به قصه‌ها و داستان‌ها علاقه‌مند بودم و خیلی کتاب می‌خواندم. شاید بیش‌ترین علاقه‌ام با خواندن داستان‌های آقای هوشنگ مرادی کرمانی نمود پیدا کرد اما بعدها این علاقه رها شد! حتی در دوران تحصیل و دانشجویی خیلی کم‌تر شد و فقط به خواندن کتاب در اوقات فراغت ختم شد.

شما که به کتاب خواندن علاقه داشتید، چرا برای تحصیل در رشته ادبیات اقدام نکردید و در رشته هنر و طراحی فرش درس خواندید؟



این بازی را در سینما ببینید!

پرویز خان

نویسنده و کارگردان: علی ثقفی
تهیه‌کننده: عطا پناهی